



بررسی اعداد در زبان ختنی

مجید طامه (دانشجوی دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی)

چکیده: مقاله حاضر به بررسی اعداد در زبان ختنی و به شرح ریشه‌شناسی برخی از این اعداد که مورد تردید است می‌پردازد و همچنین شیوه ساخت اعداد ترتیبی، توزیعی، تقریبی، و ترکیبی در این زبان توضیح داده می‌شود و به رایج‌ترین مقوله زبانی مربوط به اعداد یعنی تکرار اعداد و کاربردهای آن در ختنی و مقایسه آن با کاربرد این پدیده در زبان‌های باستانی همچون اوستایی و سنسکریت اشاره می‌شود.

کلیدواژه‌ها: ختنی، اعداد، عددنماها، ریشه‌شناسی، تکرار اعداد

در زبان ختنی نیز، مانند سایر زبان‌های ایرانی، اعداد دارای انواع اصلی، ترتیبی، توزیعی و کسری هستند که یا به‌تنهایی یا با معدود به‌کار می‌روند. در این یادداشت به بررسی این اعداد و نیز برخی ساخت‌های عددی و معانی ویژه‌ای که با استفاده از آنها بیان می‌گردد پرداخته می‌شود.

۱. اعداد اصلی

اعداد اصلی در زبان ختنی یا بازمانده اعداد اصلی ایرانی باستان یا وام‌واژه‌هایی از

سنسکریت هستند. در جدول زیر اعداد اصلی، بنا بر آنچه امریک در مجموعه زبان‌های ایرانی آورده، ذکر می‌شود (امریک ۲۰۰۹: ۳۹۰).

۱	śśau	۱۱	śśūndasu	۱+	śśūvare-	۱۰	dasau	۱۰۰	satā
۲	d(u)va	۱۲	d(u)vāsu	۲+	dvāvare-	۲۰	bistä	۱۰۰۰	ysāru
۳	dr̥rai(a)	۱۳	dr̥raisu	۳+	dr̥raivare-	۳۰	dārsā	۱۰۰۰۰	byūrru
۴	tcahora	۱۴	tcahulasu	۴+	tcahaure-	۴۰	tcaholsā	۱۰ ^۷	kūla
۵	pam̥jsa	۱۵	pam̥jsūsu	۵+	puspare-	۵۰	pam̥jsāsā	۱۰ ^{۱۱}	nayuta-
۶	kṣāta', kṣei'	۱۶	kṣasu	۶+	kṣei'vare-	۶۰	kṣāṣṭā'		
۷	hoda	۱۷	haudūsu	۷+	hopare-	۷۰	hodātā		
۸	haṣṭa	۱۸	haṣṭūsu	۸+	haṣpare-	۸۰	haṣṭātā		
۹	no, nau	۱۹	nausu	۹+	novare-	۹۰	notā		

برای پاره‌ای از این اعداد، علاوه بر صورت معیار، و شکل‌های فشرده آنها صورت‌های جنبی دیگری نیز وجود دارد. مثلاً عدد یک، علاوه بر صورت اصلی śśau، گاه در ترکیب‌ها به شکل ī- ظاهر می‌شود. برای نمونه در ترکیب ī-garśā «با یک گلو»، ī- بیانگر عدد یک است که، در واقع، صورت تحول‌یافته ایرانی باستان *aiwa- با حذف پسوند بدون تکیه *wa- می‌باشد و این شکل در دیگر زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نیز دیده می‌شود؛ مقایسه شود با i «یک» در تالشی (بلاژی ۱۹۹۹: ۱۴۱) و î «یک» در سمنانی (هادانک ۱۹۲۶: ۲۰۱). عدد پنج نیز، در اعداد ترکیبی، گاه به شکل pus- و گاه به صورت s- ظاهر می‌شود که، بر این اساس، عددی مانند بیست‌وپنج می‌تواند یا به شکل puspare bistā یا spare bistā نشان داده شود.

به استثنای دو عدد kūla- «ده‌میلیون» و nayuta- «صدمیلیارد» که وام‌واژه‌هایی از سنسکریت‌اند، سایر اعداد اصلی، به لحاظ ریشه‌شناسی، دارای اصلی ایرانی هستند و هم‌ریشه بودن آنها با دیگر زبان‌های ایرانی کاملاً مشهود است. در این میان، تنها śśau «یک» توجه و بررسی بیشتری را می‌طلبد؛ زیرا ریشه‌شناسی این عدد همواره محل

مناقشه و طرح نظرهای متفاوت بوده است. کُنُو بر این باور بود که ستاک این عدد منشأ ضمیری داشته و احتمالاً از *si, sya* از هندواروپایی **ki, *kjo* بوده که، در حالت نهادی، پسوند *-va* به آن افزوده شده است (کُنُو ۱۹۳۲: ۵۰). برخی این عدد را صورت تحول‌یافته **aiwa-* ایرانی باستان می‌دانند و چنین روندی را برای آن متصور می‌شوند: *śśū- > *zū- > *yūva- > *aiwa*. صورت *śśū-* در ترکیب‌هایی چون *śśūka-*, *śśūlaka-*, *śśūla-* هر سه به معنی «تنها» و *śśū-jāte* «یکدیگر» به کار رفته و، در واقع، شکل دیگری برای *śśau* است (بیلی ۱۹۷۹: ۴۰۴). امریک نیز نخست ریشه این عدد را **aiwa-* و صورت *śśau* را، که در حالت نهادی-رایبی است، بازمانده صورت **aiwakam* می‌دانست و به‌عنوان شاهد، صورت‌های مشابه این عدد را با روند آوایی کمابیش یکسان در برخی از زبان‌های ایرانی نو جنوب‌شرقی نظیر *zū* در پراچی و *čē* در ارموری، هر دو به معنی «یک»، آورده و بر این باور بود که *śś-* آغازین در این عدد ختنی چیزی جز بی‌واک شدن **z-* نبوده و *zū* پراچی را دلیل واضحی در تأیید این امر می‌دانست، اما درعین‌حال، این فرض را نیز محتمل دانسته که این *śś-* ممکن است بازمانده ختنی *biśśa-* «همه» از صورت هندوایرانی **wiśwa-* باشد (امریک ۱۹۹۲: ۲۹۲). شروو برای این عدد پیشنهادی کاملاً متفاوت از دیگران مطرح می‌کند: او برای صورت‌های *śśū-*, *śśau* قائل به صورت ایرانی باستان **sjaū-*, **sjaū-* می‌شود و آن را صورت دیگری برای ایرانی باستان **saiūa-* «یتیم» می‌داند و بر آن است که، علاوه بر تشابه آوایی، پیوند معنایی هم میان یتیم و تنها وجود دارد و در زبان‌های دیگر نیز این پیوند معنایی تأیید می‌شود؛ برای نمونه، واژه یتیم در عربی، علاوه بر معنی «کودک بدون پدر یا مادر»، دارای معنی «یگانه، تنها» نیز است، همچنین در نرسی باستان *einka* «بیوه» تحت‌اللفظی به معنی «او که یگانه / تنها است» می‌باشد (امریک و شروو ۱۹۹۷: ۱۴۸). اما امریک این نظر را نمی‌پذیرد و معتقد است صورت مفروض **sjaū-* «یتیم» نه در زبان سنسکریت و نه در زبان‌های ایرانی شاهدهی ندارد و با توجه به شکل‌های واژه «یتیم» در سنسکریت (*śayu-*)، در اوستایی (*saē*)، در پارسی (*sēwag*) و در ختنی (*syūa-*)، تنها صورت باستانی ممکن برای این واژه **saiūa(ka)-* است. او، در نهایت، به این نتیجه می‌رسد که، با در نظر گرفتن صورت‌هایی نظیر *śśū-jāte* «یکدیگر» و *śśūvarebistā* «بیست و یک»، *śśū-* را باید

صورت اصلی عدد یک دانست و این جزء، که همراه با پسوند -ka- در واژه -śūka- «تنها» نیز مشهود است، احتمالاً صورت متحول‌شده -viśvaivaka* «همه یک» بوده است و تحول آوایی آن به -śūka- این‌گونه توجیه‌پذیر است که هجای بی‌تکیه نخستین آن حذف شده؛ نظیر روندی که در انگلیسی کهن eall-āna به انگلیسی نو lone و alone می‌بینیم. صورت śsau را نیز باید برگرفته از صورت صرف‌شده این واژه در حالت نهادی-رای، یعنی *viśvaivakam، دانست (همان: ۱۴۹). بلاژک نیز śsau ختنی، śo تمشقی، ū پراچی و šē, šō ارموری را از ترکیب *wiśwa-aiwa دانسته است (بلاژک ۱۹۹۹: ۱۴۱). برای تحول آوایی -pus، -s- در اعداد ترکیبی که به شکل -puspare، -pare، -spare ظاهر می‌شوند، می‌توان چنین روند آوایی را در نظر گرفت: ایرانی باستان *panča-parah- < ختنی آغازین /*pantca-pare / *pantca-pare / < /*pantca-pare / *pantca-pare / < (با حذف -a- بی‌تکیه و حفظ -ts- پیش از -p-) < /*pas-pare- (با تبدیل خوشه -ntsp- به -sp-)^۱ < pus-pare (با تبدیل شدن -a- بی‌تکیه در هجای اول به -u- تحت تأثیر همخوان لبی -p-). در خصوص -pare نیز همان روند آوایی بالا اتفاق افتاده، اما در آخرین مرحله، -pa- در هجای نخست به‌طور کامل حذف شده است. به بیان دیگر، از آنجا که تحول معمول ایرانی باستان *č- در ختنی /ts/ — مگر پیش از -i- که در آن صورت *č- ایرانی باستان باقی می‌ماند: ختنی cira- «آشکار» > ایرانی باستان *čiθra- — و تحول معمول خوشه -tsp- < -sp- است، روند تحول آوایی خوشه *nčap- را نیز این‌گونه می‌توان ترسیم کرد: *nča-p- < -ntsp- < -sp- (امریک ۱۹۸۱: ۱۹۲-۱۹۳). دهگان‌ها از ۱۱ تا ۱۹ پیرو الگوی باستانی اعداد ایرانی‌اند، یعنی ترکیبی از یکان و عدد dasau «ده» که غالباً به‌صورت فشرده -su- (با حذف هجای بی‌تکیه -da-) می‌آید.

اعداد ترکیبی، همان‌گونه که از جدول بالا پیداست، از عدد ۲۱ به بعد، ترکیبی هستند از یکان، جزء -vare- یا -pare-، و دهگان. صورت -pare- پس از همخوان‌ها و

۱) لازم به ذکر است که طبق یک قاعده کلی در زبان‌های ایرانی، از همان آغاز، این گرایش وجود داشته که خوشه‌های همخوان سنگین، که در نتیجه در کنار هم قرار گرفتن چندین همخوان به وجود آمده با حذف یکی از همخوان‌های آن خوشه سبک‌تر شود: اوستایی: nafšu-cā «و در میان نوادگان» > آریایی *napsu > هندواروپایی *nepsu (بارتلمه ۱۸۹۵: ۱۱).

۲) توضیحات در خصوص روند آوایی این واژه را وام‌دار آقای دکتر مائورو ماجی (Mauro Maggi) هستم.

صورت -vare- پس از واژه‌ها استفاده می‌شود. صورت دوم به شکل‌های -ra-، -rā-، -r-، -re- نیز ظاهر می‌شود؛ برای نمونه می‌توان به -drair-، -drairā-، -dvāra-، -tcahaure- که صورت کامل آنها -draivare-، -dvāvare-، -tcahauravare- است، اشاره کرد (بیلی ۱۹۵۸: ۱۴۳). کُنُو این جزء را با واژه para، در ترکیب سنسکریت dvāpara «تاس یا آن ضلعی از تاس که دارای دو نقطه است»، قابل مقایسه دانسته است (کُنُو ۱۹۳۲: ۵۱)؛ اما امریک این جزء را بازمانده *parah ایرانی باستان به معنی «آن‌سو، فراتر از» می‌داند (امریک ۲۰۰۹: ۳۹۰) که قابل مقایسه با paras «ورای، فراتر از» در زبان سنسکریت و parō، parō در اوستایی به معنی «ورای، افزون‌بر» است. در کل، چنین روند آوایی را می‌توان برای این جزء در نظر گرفت: ایرانی باستان *paras < *paraz- < *parai- < ختنی -vare-/-pare- (ماجی ۱۹۹۱: ۲۲۵). اما این جزء در هیچ‌کدام از این دو زبان دارای چنین نقش زایایی در ساخت اعداد ترکیبی نیست. تنها یک‌بار در ریگ‌وده شاهد نقش این جزء در یک ساخت عددی کمابیش مشابه با ختنی هستیم: trimsāti trāyah parāḥ «سی، سه تا بیشتر = سی و سه» (مونیر-ویلیامز ۱۸۹۹: ۵۸۹). اما نوعی دیگر از ساخت اعداد نیز در سنسکریت وجود دارد که کاملاً یادآور ساخت اعداد ترکیبی در ختنی است؛ بدین ترتیب که دو صفت -ūna- «کم، ناقص» و -adhika- «افزون، اضافه» در میان دو عدد می‌آیند و، از ترکیب آنها، عددی دیگر به دست می‌آید: tryūnaṣaṣṭiḥ «پنجاه و هفت»، در اصل «شصت، سه تا کم»؛ aṣṭādhikanavatiḥ «نود و هشت»، در اصل «هشت به اضافه نود» (ویتنی ۱۹۲۴: ۱۷۹). بدین ترتیب، در ختنی نیز اعدادی چون śūvarebistā «بیست و یک»، در اصل به معنی «یکی فراتر از بیست»؛ puspāre bistā «بیست و پنج» یعنی «پنج تا فراتر از بیست» است.

۲. اعداد ترتیبی

اعداد ترتیبی در ایرانی باستان با افزودن یکی از پسوندهای -ya-، -ta-، -ma- به اعداد اصلی ساخته می‌شوند، که این پسوندها خود بازمانده صورت‌های هندواروپایی آغازین -yo-، -to-، -mo- هستند (امریک ۱۹۹۲: ۳۲۵). معمول‌ترین شیوه ساخت عدد ترتیبی، در ختنی، افزودن پسوند -ama- به اعداد اصلی است: -tcūrāma- «چهارم»، -haudama- «هفتم»، -bistama- «بیستم»؛ به استثنای این موارد: -paḍauysa- «یکم»، -sāta- «دوم»،

dād(d)a- «سوم»، pūha- «پنجم» که شاهد پسوندهای باستانی دیگری در ساخت آنها هستیم. paḍauysa- در اصل، صفتی به معنی «پیش‌برنده» و مرکب از صفت -paḍāa- «پیش، نخست» و پسوند -auza- است (دگنر ۱۹۸۹: ۱۷۶)؛ بیلی برای این واژه صورت فرضی -partā(k)-auza* «درپیش‌رونده» را قائل شده و جزء دوم را از ریشه -vaz- «راندن» دانسته است (بیلی ۱۹۷۹: ۲۰۳)؛ گرتسبرگ نیز این واژه را این‌گونه بازسازی کرده است: -prta-+wāza* (دگنر ۱۹۸۹: ۱۷۵). -šāta- بازماندهٔ -dvita* ایرانی باستان و قابل مقایسه با اوستایی -daibitiia- و فارسی باستان -duvitiya- است که، طبق این قاعدهٔ آوایی که، در آن، -dv* ایرانی باستان پیش از آوای i در ختنی به [ʒ] تبدیل می‌شود، به این شکل درآمده است (امریک ۱۹۸۹: ۲۱۵). -dād(d)a- بازماندهٔ ایرانی باستان -θrita* و قابل مقایسه با اوستایی -θritiia- و اسامی خاص -θrita- و -θritī- است که تحت‌اللفظی به معنی «سوم» هستند (بلاژک ۱۹۹۹: ۱۸۶). -pūha- بازماندهٔ ایرانی باستان -puxθa* و قابل مقایسه با اوستایی -puxḍa- است.

۳. اعداد توزیعی و کسری

اعداد توزیعی در ختنی، همانند سایر زبان‌های ایرانی، به یکی از شیوه‌های زیر ساخته می‌شود:

— تکرار عدد اصلی: šau šau seram «هر یک یک سیر»، tcau tcau mācāṅgyi «هر یک چهار ماچانگه».

— افزودن اسامی -jūna-، -gyūna-؛ -cīra-؛ -rrāyā-؛ -kāla- و -šū'mba همه به معنی «بار، دفعه» به اعداد اصلی: biśša drai gyūna hīštā «سه بار به خانه می‌آید»، paṃjsam tci[ra] paṃjsasutra hvāmñim «پنج بار پنج‌سوتره خواندنی [است]»، drai rrāyā ṣṣīve haḍāya «سه بار در شب، در روز»، hauda kāla «هفت بار»، tta kaše' tcahou šūm'ba «این جوشانده‌ها چهار بار».

— قید -hataṛa، -hatārra، -herra به معنی «یک بار» نیز دارای کاربرد توزیعی است که قابل مقایسه با اوستایی -hakərəṭ- و فارسی باستان -hakaram- است: byāta tā strīya jsīdātā hataro uho «به یاد آورده شد با تونزی [که] فریفت یک بار شما را» (امریک ۲۰۰۸: ۳۲؛ بیلی ۱۹۷۹: ۴۴۸؛ کُتو ۱۹۴۹: ۴۵).

— با افزودن پسوند *-ysania* به اعداد اصلی، مانند *tcūr-ysania* «چهارگانه»، *haštā-ysania* «هشت‌گانه»؛ این پسوند صورت متحول‌شده *-zana** ایرانی باستان از ریشه *-zan** «زادن» و قابل مقایسه با ترکیب فارسی باستان *vispa-zana* است (امریک ۱۹۹۲: ۳۳۱). *tcure-ysamña* *hīne cu hā kšīrāšte tramda* «سپاه چهارگانه که اندر کشور شد» (درسدن ۱۹۵۵: ۴۴۲)، *hāštā-ysanī ... pande* «راه هشت‌گانه» (دگنر ۱۹۸۹: ۱۲۵).

— با افزودن صورت‌های *-vadia*، *-padia*، *-pandia*، که هر سه مورد صورت‌های اشتقاقی هستند از اسم *-padya*، *-padia* به معنی «روش، گونه» که خود این اسم بازمانده ایرانی باستان *-pantāh** به معنی «راه و گذر» است. این صورت‌ها به‌عنوان جزء دوم ترکیب به برخی از صفات و اعداد متصل می‌شوند و معنی «گانه» را می‌رسانند (بیلی ۱۹۷۹: ۲۰۹؛ دگنر ۱۹۸۹: ۱۲۴). *dasa-vadya akūśala.kīri bīśū śtām dīśūm' vaṃña* «کردارهای ناشایست ده‌گانه راه، همه آنها راه، اعتراف می‌کنم اکنون» (شروو ۲۰۰۴: ۵۱/۱)، *paṃjsa-padyata haurna* «با هدیه‌ای پنج‌گانه» (بیلی ۱۹۷۹: ۲۰۹)، *duva-pandiya śā parikalpa* «این پریکلپه دوگانه [است]» (دگنر ۱۹۸۹: ۱۲۴).

تنها شاهد باقی‌مانده برای اعداد کسری، در متون ختنی، *-hālaa* به معنی «نیم» است که بازمانده *-arda-ka** ایرانی باستان و قابل مقایسه با اوستایی *-arəda* «نیم؛ سو» و فارسی میانه *ālag* «سو» است (شروو ۲۰۰۴: ۳۶۶/۲). *šau šaṃga u hālai utca tcerā*: «یک شنگه (= واحد وزن) و نیم آب کردنی (= افزودنی) است»، *drrāmma ttīma dva sira hāle* «دانه انار دو سیر [و] نیم» (گنوه ۱۹۴۱: ۱۹، ۷۷).

۴. نحو

در زبان ختنی، اعداد غالباً پیش از معدود می‌آیند و، از لحاظ جنس و حالت، اغلب با معدود خود مطابقت می‌کنند و دارای دو ستاک صریح و غیرصریح هستند؛ برای نمونه، اعداد یک، پنج و ده، در حالت صریح، به‌صورت *paṃjsa*، *śśau* و *dasau* و، در حالت غیرصریح، ستاک آنها *-śśa**، *paṃj*° و *daśś*° است (امریک ۱۹۹۲: ۲۹۰-۲۹۲؛ همو ۲۰۰۸: ۳۵). همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، در دهگان‌ها، نخست یکان و سپس دهگان می‌آید. در اعداد ترکیبی بالاتر از صد، ترتیب قرار گرفتن اعداد از بزرگ به کوچک و بدون استفاده

از حرف عطف می‌باشد: «صد و هشت» *satā haṣṭa* «صد و بیست و یک»، *ysārā drrai se haudā* «هزار و سیصد و هفتاد»، *kūlu sate ysāre* «ده‌میلیون و صد هزار». گاه ترتیب اعداد، همانند سنسکریت، تا حدودی اختیاری است و بدین ترتیب کاملاً مشخص نیست که عبارتی نظیر *anayuta satā ysāre kūla* که به معنی صد میلیارد صد هزار + ده‌میلیون، یا صد میلیارد + صد هزار ده‌میلیون است، دقیقاً دارای چه ارزشی است. در اعداد ترکیبی، گاه همه اجزای ترکیب و گاه تنها آخرین جزء ترکیب صرف می‌شود و، بدین‌گونه، شاهد نمونه‌هایی مانند *tcohorvaretcoholśuvo' sītuvo' yseruvo' kalpuvo'* «در چهارمیلیون و چهارصد هزار دوره» هستیم که، در آن، هر سه عدد چهل و چهار، صد و هزار در حالت دری جمع صرف شده؛ اما در این عبارت *tcahorehaṣṭātā yservo' bisvo'* «در هشتاد و چهار هزار خانه» تنها جزء دوم یعنی هزار با معدود مطابقت کرده و در حالت دری جمع است، اما جزء اول آن در حالت نهادی-رابی صرف شده است. در صرف اضافی-برایی جمع نیز جزء یکان، که پیش از عدد صد و هزار می‌آید، فاقد پایانه *-nu*- معرف حالت صرفی اضافی-برایی جمع است؛ بدین ترتیب، *dvī satānu* در اصل، باید به صورت **dvīnu satānu* می‌آمد (امریک ۲۰۰۸: ۵۶-۵۷).

۵. صفات عددنما

علاوه بر اعداد ترتیبی که در بالا به آنها اشاره شد، صفاتی نیز در ختنی موجود است که می‌توان برای آنها ارزش عددی قائل شد، که از جمله به این موارد می‌توان اشاره کرد:

۱. *pīrma* «نخست» و صورت‌های تفضیلی و عالی آن یعنی *pīrmāttara* و *pīrmāttama* که معنی ثانوی آنها یعنی «بهتر، برتر» و «بهترین، برترین» بر معنی اصلی آنها ارجحیت یافته است: *ṣa' beva va pīrmāttamye ra haṣṭā baina āchā jaidā* «آن [روغن] هشتاد بیماری بادی را در نخستین باد نابود می‌کند»، *grrahaṇī padauṣṭa va pīrmāttam* «برای بیماری روده‌ای نخستین (= بهترین) [است]» (کنو ۱۹۴۱: ۱۷، ۲۷). واژه *pīrma*، در برخی از متون، خود دارای ارزش عددی است، هرچند ارزش دقیق آن مشخص نیست. این واژه بیشتر در ترکیب‌های عددی بسیار بزرگ دیده می‌شود و، از این‌رو، در سِدِن معادل ده‌میلیون را

برای آن محتمل دانسته است: *dvārabistā byūrrā hašta ysāri pīrma*: «بیست و دو ده هزار، هشت هزار ده میلیون(۴)» (درسدن ۱۹۵۵: ۴۲۳، ۴۷۹).

۲. *paḍāa* «نخست». بیلی و امریک این واژه را از صورت باستانی **partāka* و قابل مقایسه با صورت *pl't'k* در فارسی میانه و واژه فردا در فارسی نو می‌دانند (بیلی ۱۹۷۹: ۲۰۳؛ امریک ۱۹۹۲: ۳۱۹)، اما شروو معتقد است این واژه از صورت ایرانی باستان **parutāka* و قابل مقایسه با اوستایی *-pauruuatāt* «پیشی؛ برتری» است (شروو ۲۰۰۴: ۲۹۴/۲): *caṃ vā mara mauñām jsa paḍā daśaudā hīsaṃ*: «آن‌که نخست آمده است اینجا با مردان ما» (بیلی ۱۹۷۹: ۲۰۳).

۳. *āsña* «نخست» > **āst(a)nya* از ماده *āstañ* «شروع کردن» از **ā-stā*، *āsñai amgaṃ* *tcārbe makšāñā* «نخست اندام‌هایش با چربی مالیدنی‌اند» (همان: ۲۸).

۴. *hvašta* «نخست» > **fravišta* از **frau-* «پیش؛ زود»: *hvaštā sījīndī harbiššā kīra*: «نخست آموزند آن را، همه کارها را» (همان: ۵۰۵).

۵. *ustama* «آخر، آخرین»: *vaysña u ustamye bāḍā*: «اکنون و در آخرین زمان» (همان: ۴۲). همچنین صورت‌های اشتقاقی دیگر آن یعنی *-ustamāṃjsia* و *-ustamauysa* هر دو با همان معنی: *cu vā tti idā ustamājsī bāḍā ustamauysye paṃcāśai*: «آن‌که هستند در آخرین زمان، در آخرین پانصد [دوره]» (همان‌جا).

۶. *prroda*، *prroda* «نخست» در ترکیب *prraudaphāra* «نخستین مرحله»: *o vā praudaphāra* «یا [آن‌که رسیده‌اند] به نخستین مرحله» (امریک ۱۹۷۰: ۱۳). این واژه قابل مقایسه با واژه *prōd* با همین معنی در زبان سریگلی است (کُتو ۱۹۳۲: ۵۰).

۷. *hvālai* «هر دو، دوگانه» > *-uba-ārdaka* «هر دو سو»: *hvāle gva'* «هر دو گوش»؛ *ttye pada hvālai kašta* «[اگر] به راهی که برایش دوگانه [است] ببیند» (امریک ۱۹۷۷: ۹۸، ۱۱۵).

گذشته از این صفات که به نوعی دارای معنای ترتیبی هستند و هیچ عنصر عددی در ساخت آنها وجود ندارد، دو صفت دیگر نیز وجود دارد که در ساخت آنها عنصر عددی نیز قابل مشاهده است:

۱. *śśūjāta* «یکدیگر»، در اصل، به معنی «یکی و دوم» که ترکیبی است از عدد *-śśū-* «یک» و عدد ترتیبی *-śāta* «دوم».

۲. *hūduva* «هر دو، هم»، که برای آن می‌توان صورت باستانی **ubāduva* را مفروض دانست و جزء اول این ترکیب قابل مقایسه با *-uba-*، *-uva-*، *-uua-* در اوستایی است: *hūduva biṣta tcohora paṃjsa hāra dvyau dastyau jsa barīndā* «هر دو شاگرد چهار [یا] پنج چیز را با دو دست می‌برند» (امریک ۲۰۰۸: ۳۴).

۶. پدیده تکرار

رایج‌ترین مقولهٔ زبانی درخور توجه دربارهٔ اعداد در زبان ختنی پدیدهٔ تکرار است که منجر به معانی ویژه‌ای می‌شود، که در زیر به شرح و بررسی آنها پرداخته خواهد شد. نخستین معنی، که تنها مختص عدد یک است، اشاره به جزء جزء یک کل یا، در واقع، صورت کل و تمامی آن معدود است: *balsä śsau śsau satva parījātā* «بودا یک یک (= تمامی) موجودات را می‌رهاند (= نجات می‌دهد)» (همان: ۳۲)؛ *śye śye ṣṣamani bise* «خانه‌های هر شَمَنی» (همان‌جا).

معنای دوم که با تکرار عدد یک و سایر اعداد اصلی در ختنی بیان می‌شود برای تعیین میزان و مقدار واحدی از معدود است و، در واقع، این مورد همان ساخت توزیعی است: *śau śau seram* «هریک یک سیر» (گُئو ۱۹۴۱: ۱۵)؛ *śā' paṃna arva tcau tcau mācāṃga ...* «همهٔ این داروها، هر یک چهار ماچانگه (واحد وزن) ...» (همان: ۲۹).

تکرار یک عدد با یک واحد وزن، علاوه بر آنکه دلالت بر میزان مشخصی از آن واحد است، می‌تواند، در عین حال، در اشاره به زمان و نوبت وقوع یک عمل نیز باشد؛ برای نمونه، در جملهٔ *śā' paṃna arve dvi dvi mācāṃga śtākā* «همهٔ این دارو[ها]، هر یک دو ماچانگه لازم [است]» (همان: ۱۹)، تکرار عدد دو تنها ناظر بر میزان مشخصی از واحد داروهاست؛ اما در جملهٔ *ṣi' rūm pāchīm khāṣā' mña piśā dvi dvi prūyi* «این روغن پختنی [و] نوشیدنی [است] در عصرگاه، هر بار دو پرویه» (همان: ۴۵)، به وضوح، افزون بر آنکه معرف میزان مشخصی از واحد وزن است، دلالت بر تعداد وقوع آن عمل نیز دارد.

در زبان ختنی، برای بیان مفهوم تقریبی امری، همانند سایر زبان‌های ایرانی، دو عدد اصلی در کنار هم قرار می‌گیرند: *dva drai jūna* «دو [یا] سه بار» (بیلی ۱۹۷۹: ۱۱۱). همین ساخت در جملاتی که، علاوه بر معنی تقریبی، دارای معنی مقدار و اندازهٔ مشخصی از

یک واحد نیز هستند دیده می‌شود و شیوه قرارگیری هر عدد به این صورت است که نخست عدد اول دو بار تکرار می‌شود و سپس عدد دوم نیز با تکراری همانند عدد اول، پس از آن، می‌آید: «sa' rūm pāchīm khāṣā'mña dvī dvī drrīm drrīm prūya [این روغن پختنی] و نوشیدنی [است] دو یا سه پرویه هر بار»؛ «drrīm drrīm tcau tcau prūyi khāṣāña grrāmmaka [سه یا چهار پرویه، هر بار گرم نوشیدنی] است» (کُنُو: ۱۹۴۱: ۳۷، ۶۷).

بنا بر شاهد‌های بندهای پیشین، چنین می‌توان نتیجه گرفت که، در جمله‌ای که دارای معنای مقدار مشخصی از یک واحد است، عدد استفاده‌شده در آن جمله دوبار تکرار می‌شود و، در واقع، این معمول‌ترین شیوه برای بیان مفهوم توزیع و مقدار در ختنی است؛ اما گاهی یک عدد ممکن است در جمله‌ای، برای رساندن همین مفهوم، سه‌بار تکرار شود، البته باید این فرض را نیز محتمل دانست که این سه بار تکرار شدن یک عدد، در واقع، می‌تواند نتیجه سهوهای احتمالی کاتب باشد: «pipala drāmmattīma gūra ttāmgare śau śau śau sira [دارفلفل، دانه انار، انگور، زنجبیل هر یک یک سیر]؛ «śa' pamna arva śā śā śā mēcāṅga [همه این داروها، هر یک یک ماچانگه]» (همان: ۳۵، ۷۷).

همان‌طور که تاکنون دیده شد، برای رساندن معنای توزیعی، در زبان ختنی، همواره شاهد تکرار عدد هستیم نه معدود، اما در دیگر زبان‌های ایرانی باستان و میانه، برای رساندن معنای توزیعی برای یک واحد، علاوه بر عدد، گاه خود آن واحد به تنهایی تکرار می‌شود. در موارد اندکی، در ختنی نیز، این سنت تکرار معدود ادامه یافته است. گاه تکرار عدد و معدود در کنار یکدیگر برای رساندن معنای توزیعی استفاده می‌شود: «sa' rūm pāchīm papimṣā' hauda kani hauda kani gvaṃña paśāṃña [این روغن پختنی] است» در عصرگاه، هر بار هفت قطره در گوش ریختنی [است]» (همان: ۶۳)؛ و گاه تنها تکرار یک صفت یا اسم بدون همراهی با عددی این مفهوم را می‌رساند؛ مثلاً در جمله «panāña panāña kīntha [هر شهری]، صفت pana- در معنای توزیعی تکرار شده است (امریک ۲۰۰۸: ۵۷)؛ یا واژه hvatā، در اصل، به معنی «خود، خویش» است، در صورت تکرار، به معنی «هر یک، جداگانه» به کار رفته است: «hvatā hvatā ni pālsve distā [دنده‌هایشان جدا جدا دیده شدند]» (بیلی ۱۹۷۹: ۵۰۲).

پدیده تکرار در دیگر زبان‌های ایرانی و هندی نیز دارای کاربرد است و غالباً نیز

برای بیان مفهوم یک جزء از کل به کار رفته است؛ اما در آثار به‌جای مانده از ایرانی باستان، برای بیان این مفهوم، بیشتر شاهد تکرار یک اسم هستیم تا تکرار یک عدد و آن اسم در حالت صرفی یکسانی صرف شده است. در اینجا دو نمونه از این ساخت را در اوستا ذکر می‌کنیم:

āuuarəṇā vīciθahiiā narēm narēm x^vaxiiāi tanuiiē

«باورهای [بنا بر] گزینش هر انسانی برای خویشتن» (هومباخ ۱۹۹۱: ۴۷/۲).

nmāne nmāne vīsi vīsi θrāiio kata uzdaithiian

«در هر خانه، در هر روستا سه کده بسازند» (همان‌جا).

در جمله نخست، تکرار واژه nar- «انسان» و، در جمله دوم، تکرار واژه‌های nmāna- «خانه» و vīs- «روستا» برای بیان مفهوم هر نفر و هر واحدی به‌گونه مجزاً به‌کار رفته است.

اما در سنسکریت، پدیده تکرار دارای کاربرد فراوانی است و، علاوه بر تکرار اسم، صفت، ضمیر، قید، عدد و حرف اضافه، فعل جمله نیز امکان تکرار را دارد. تکرار در این زبان می‌تواند معانی‌ای چون بسامد، توالی زمانی، و مفهوم توزیعی را بیان دارد (مک‌دانل ۱۹۷۱: ۲۸۱-۲۸۲): ūpa tvāgne divé-dive «برای تو ای آگنی هر روز» (همو ۱۹۱۷: ۸)؛ gātre-gātre niṣasāthā ṛcāksāḥ «[ای سومه] در هر اندامی نشسته‌ای [در مقام] ناظر بر انسان» (همان: ۱۶۰). در این جمله‌ها نیز تکرار واژه diva- «روز» و gātra- «اندام» برای بیان مفهوم هر روزی به‌صورت جداگانه و یا، به عبارت دیگر، «در تمامی روزها» و «هر اندامی» یعنی تمامی اندام‌ها به صورت مجزاً، به‌کار رفته است.

منابع

- Bailey, H. W., 1958, "Languages of the Saka", *Handbuch der Orientalistik*, Abt. I, Bd. IV: Iranistik, I: Linguistik, ed. B. Spuler, Leiden, pp. 131-154.
- , 1979, *Dictionary of Khotan Saka*, London.
- Bartholomae, C., 1895, "Vorgeschichte der iranischen Sprachen", *Grundriss der iranischen Philologie*, eds. W. Geiger and E. Kuhn, Bd. 1, Abt. 1, Strassburg, pp. 1-151.
- Blažek, V., 1999, *Numerals*, Brno.
- DeGerner, A., 1989, *Khotanische Suffixe*, Stuttgart.

- DRESDEN, M. J., 1955, "The Jātakastava or 'Praise of the Buddha's Former Births'", *Transactions of the American Philosophical Society*, New Series, vol. 45, No. 5, pp. 397-508.
- EMMERICK, R. E., 1970, *The Khotanese Śūraṅgamasamādhisūtra*, London.
- _____, 1977, "The Confession of Acts", *Acta Iranica* 12, pp. 87-115.
- _____, 1981, "The Consonant Phonemes of Khotanese", *Acta Iranica* 21, pp. 185-209.
- _____, 1989, "Khotanese and Tumshuqese", *Compendium Linguarum Iranicarum*, ed. R. SCHMITT, Wiesbaden, pp. 204-229.
- _____, 1992, "Iranian", *Indo-European Numerals*, ed. J. GVOZDANOVIĆ, New York, pp. 289-345.
- _____, 2008, *An Introduction to Khotanese*, Wiesbaden.
- _____, 2009, "Khotanese and Tumshuqese", *The Iranian Languages*, ed. G. WINDFUHR, London, pp. 377-415.
- EMMERICK, R. E. and SKJÆRVØ, P. O., 1997, *Studies in the Vocabulary of Khotanese III*, Wien.
- HADANK, K., 1926, *Die Mundarten von Khunsâr, Mahallât, Natânz, Nâyin, Sâmnân, Sîvând und Sô-Kohrâd*, Berlin.
- HUMBACH, H., 1991, *The Gāthās of Zarathushtra*, vol. II, Heidelberg.
- KONOW, S., 1932, *Saka Studies*, Oslo.
- _____, 1941, *A Medical Text in Khotanese*, Oslo.
- _____, 1949, *Primer of Khotanese Saka*, Oslo.
- MACDONELL, M. A., 1917, *A Vedic Reader for Students*, Oxford.
- _____, 1971, *A Vedic Grammar for Students*, Bombay.
- MAÇĜĬ, M., 1991, "Note tumšūqesi", *Studia linguistica amico et magistro oblata: Scritti di amici e allievi dedicati alla memoria di Enzo Evangelisti*, Milano, pp. 219-228.
- MONIER-WILLIAMS, M., 1899, *A Sanskrit-English Dictionary*, Oxford.
- SKJÆRVØ, P. O., 2004, *The Khotanese Suvarṇabhāsottamasūtra*, 2 vols., Harvard.
- WHITNEY, W. D., 1924, *Sanskrit Grammar*, Delhi.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی